

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فیش منبر

بندگی خدا

↓ کانال فیش منبرموضوعی در ایتا ↓

<https://eitaa.com/fishemenbar>

<http://www.talabeyar.ir> = سایت طلبه یار

خب شب ليله الرغائبه

ليله به معنای شب است و کلمه «رغائب» جمع «رغيبه» به معنای چیزی است که مورد رغبت و ميل و نیز به معنای عطا و بخشش فراوان است. [۱] بنابراین «ليله الرغائب» هم می تواند به معنای شبی باشد که ميل و توجه به آن بسیار است و هم می تواند به معنای شبی باشد که در آن عطا و بخشش خدا بسیار است. با توجه به روایتی که در فضیلت این شب نقل شده هر دو معنا درست است. [۲]

حدیث ليله الرغائب

حدیث ليله الرغائب از پیامبر (ص) نقل شده و در کتاب اقبال الاعمال سید بن طاووس آمده است. در این حدیث به جایگاه این شب و اعمال آن اشاره شده است. در این حدیث آمده است این شب را ملائکه، ليله الرغائب نامیده اند. زمانی که یک سوم از این شب بگذرد، فرشته ای در آسمان و زمین باقی نمی ماند، مگر اینکه در کعبه و حوالی آن جمع می شوند. خداوند به فرشتگان می گوید هر چه می خواهید درخواست کنید. فرشتگان گویند درخواست ما بخشش فرد روزه دار ماه رجب است. خداوند پاسخ می دهد: آن را انجام دادم. [۳]

عبادت راز آفرینش

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» [۱] «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این طریق تکامل یابند و به

من نزدیک شوند». از مهمترین سؤالاتی که هر کس از خود می‌کند این است که «ما برای چه آفریده شده‌ایم؟» و «هدف آفرینش انسان‌ها و آمدن به این جهان چیست؟» آیات فوق به این سؤال مهم و همگانی با تعبیرات فشرده و پرمحتوایی پاسخ می‌گویند و می‌فرماید: «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند.» «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» آیات مورد بحث تنها روی مسأله‌ی عبودیت و بندگی تکیه می‌کند، و با صراحت تمام آن را به عنوان هدف نهایی آفرینش جن و انس معرفی می‌نماید.

هدف اصلی همان «عبودیت» است که در آیات مورد بحث به آن اشاره شده، و مسأله‌ی «علم و دانش» و «امتحان و آزمایش» اهدافی هستند که در مسیر عبودیت قرار می‌گیرند، و «رحمت و اسعه‌ی خداوند» نتیجه‌ی این عبودیت است. به این ترتیب روشن می‌شود که ما همه برای عبادت پروردگار آفریده شده‌ایم، اما مهم این است که بدانیم حقیقت «عبادت» چیست؟ آیا تنها انجام مراسمی مانند رکوع و سجود و قیام و قعود و نماز و روزه منظور است؟ یا حقیقتی است ماورای اینها؟ هر چند عبادات رسمی نیز همگی واجد اهمیتند.

معنی عبد در لغت

برای یافتن پاسخ این سؤال باید روی واژه‌ی «عبد» و «عبودیت» تکیه کرد و به تحلیل آنها پرداخت. «عبد» از نظر لغت عرب به انسانی می‌گویند که سر تا پا تعلق

به مولا و صاحب خود دارد، اراده‌اش تابع اراده‌ی او، و خواستش تابع خواست او است. در برابر او مالک چیزی نیست، و در اطاعت او هرگز سستی به خود راه نمی‌دهد. و به تعبیر دیگر «عبودیت» - اظهار آخرین درجه‌ی خضوع در برابر معبود است، و به همین دلیل تنها کسی می‌تواند معبود باشد که نهایت انعام و اکرام را کرده است و او کسی جز خدا نیست. بنابراین عبودیت نهایت اوج و تکامل یک انسان و قرب او به خدا است. عبودیت نهایت تسلیم در برابر ذات پاک او است. عبودیت اطاعت بی‌قید و شرط و فرمان برداری در تمام زمینه‌هاست و بالأخره عبودیت کامل آن است که انسان جز به معبود واقعی یعنی کمال مطلق نیندیشد جز در راه او گام برندارد، و هر چه غیر او است فراموش کند حتی خویشتن را!

خداوند شایستگی برای عبادت

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» [۲]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع کنید و سجود بجا آورید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید تا رستگار شوید.» ابتداء آیه خطاب به افراد با ایمان است. یک سلسله دستورات کلی و جامع را که حافظ دین و دنیا و پیروزی آنها در تمام صحنه‌ها است برای مؤمنین بیان می‌کند. نخست به چهار دستور مهم اشاره کرده می‌گوید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید ۱- رکوع کنید، ۲- سجده بجا آورید، ۳- پروردگارتان را عبادت کنید، ۴- کار نیک انجام دهید تا رستگار شوید.

بیان دو رکن رکوع و سجود از میان تمام ارکان نماز به خاطر اهمیت فوق‌العاده آنها در این عبادت بزرگ است. دستور عبودیت به طور مطلق که بعد از این دو بیان شده هر گونه عبادت و بندگی خدا را شامل می‌شود. تعبیر به «ربکم» (پروردگار شما) در حقیقت اشاره‌ای است به شایستگی او برای عبودیت و عدم شایستگی غیر او، زیرا تنها مالک و صاحب و تربیت کننده او است. [۳] دستور به فعل خیرات هر گونه کار نیکی را بدون هیچ قید و شرط شامل می‌شود.

از عبادت او تکبر نوزید

«إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ» [۴] «آنها که (در مقام قرب) نزد پروردگار تواند هیچ گاه از عبادتش تکبر نمی‌ورزند و او را تسبیح می‌گویند و برایش سجده می‌کنند.» این آیه اشاره دارد به این که نه تنها شما باید در همه حال به یاد خدا باشید، فرشتگان مقرب پروردگار و آنها که در مقام قرب نزد پروردگار تواند هیچگاه از عبادت او تکبر نمی‌ورزند و همواره تسبیح او می‌گویند و ذات پاکش را از آنچه شایسته مقام او نیست منزه می‌شمارند و در پیشگاه او سجده می‌نمایند «إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ». کلمه‌ی «عند ربک» (آنها که نزد پروردگار تواند) به معنی قرب مکانی نیست زیرا خداوند مکانی ندارد بلکه اشاره به قرب مقامی است یعنی آنها با آن همه موقعیت و مقام، باز در بندگی و یاد خدا و سجده و تسبیح کوتاهی ندارند شما هم باید کوتاهی نکنید. به هنگام تلاوت آیه‌ی فوق سجده کردن

مستحب است ولی بعضی از اهل تسنن مانند پیروان «ابو حنیفه» آن را واجب می‌شمارند. [۵]

عبادت مأموریت انسان

«وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» [۶] «در حالی که به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را پرستش کنند با کمال اخلاص، و از شرک به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند، و زکات را ادا کنند، و این است آئین مستقیم و صحیح و پایدار.» «اهل کتاب» و به تبع آنها «مشرکان» را مورد ملامت قرار داده می‌گوید: چرا در این آیین جدید اختلاف کردند، بعضی مؤمن و بعضی کافر شدند «در حالی که در این آیین دستوری به آنها داده نشده است جز اینکه خدا را پرستش کنند، و عبادت او را از عبادت غیر او خالص سازند، و از هر گونه شرک باز گردند و متمایل به توحید شوند. نماز را برپا دارند و زکات را ادا کنند.» سپس می‌افزاید: «و این است آیین مستقیم و پایدار» (وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ). در این که منظور از «و ما امروا»... در اینجا چیست جمعاً گفته‌اند منظور این است که اهل کتاب در آیین خودشان مساله‌ی توحید و نماز و زکات وجود داشته و اینها مسائلی است ثابت، ولی آنها به دستورات نیز وفادار نمانده‌اند.

دیگر اینکه در آیین اسلام دستوری جز توحید خالص و نماز و زکات و مانند آن نیامده. و این ها اموری هستند شناخته شده چرا از قبول آن سرباز می‌زنند و در پذیرش آن اختلاف می‌کنند. معنی دوم نزدیک‌تر به نظر می‌رسد، زیرا به دنبال آیه‌ی قبل که سخن از اختلاف آنها در پذیرش آیین جدید می‌گفت مناسب همین است که «امروا» ناظر به آیین جدید باشد. از این گذشته معنی اول تنها درباره‌ی اهل کتاب صادق است و مشرکان را شامل نمی‌شود در حالی که معنی دوم همگان را شامل می‌شود.

منظور از دین چیست؟

منظور از «دین» که باید آن را برای خدا خالص کنند به عقیده بعضی از مفسران همان «عبادت» است، و جمله «إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ» که قبل از آن ذکر شده نیز همین معنی را تأیید می‌کند. ولی این احتمال وجود دارد که منظور مجموعه دین و شریعت می‌باشد، یعنی آنها مأمور شده بودند که خدا را پرستش کنند و دین و آیین خود را در تمام جهات خالص گردانند این معنی با گستردگی مفهوم «دین» سازگارتر است و جمله‌ی بعد «وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» که دین را به معنی وسیع مطرح کرده همین معنی را تأیید می‌کند. جمله‌ی «وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» اشاره به آن است که این اصول یعنی توحید خالص و نماز توجه به خالق و زکات (توجه به خلق) از اصول ثابت و پا بر جای همه‌ی ادیان است. بلکه می‌توان گفت اینها در متن فطرت آدمی

قرار دارد. [۷]

خداوند متعال دستور به پیامبر (ص) می‌دهد که دست از عبادت پروردگارت در تمام عمر بر مدار «و همواره او را بندگی کن تا یقین فرا رسد» «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» [۸] معروف و مشهور در میان مفسران این است که منظور از «یقین» در اینجا مرگ است و به این جهت مرگ، یقین نامیده شده که یک امر مسلم است، در هر چیز شک کند در مرگ نمی‌تواند تردید به خود راه دهد. و یا اینکه به هنگام مرگ پرده‌ها کنار می‌رود و حقایق در برابر چشم آشکار می‌شود و حالت یقین برای او پیدا می‌گردد. در سوره مدثر آیه‌ی (۴۶ - ۴۷) از قول دوزخیان می‌خوانیم:

«وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ» «ما همواره روز رستاخیز را تکذیب می‌کردیم تا اینکه یقین (مرگ ما) فرا رسید.» از اینجا روشن می‌شود که آنچه از بعضی از صوفیه نقل شده که آیه‌ی فوق را دستاویزی برای ترک عبادت قرار داده‌اند و گفته‌اند: «آیه می‌گوید: عبادت کن تا زمانی که یقین فرا رسد، بنابراین بعد از حصول یقین نیازی به عبادت نیست!» گفتار بی‌اساس و بی‌پایه‌ای است، چرا که اولاً: به شهادت بعضی از آیات قرآن که در بالا اشاره کردیم یقین به معنی مرگ است، که هم برای مؤمنان و هم برای دوزخیان، برای همه خواهد بود. ثانیاً: مخاطب به این سخن، پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، و مقام یقین پیامبر بر همه محرز است آیا کسی می‌تواند ادعا کند که دارای مقام یقین از نظر ایمان نبوده است. و ثالثاً: تواریخ متواتر نشان می‌دهد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا آخر ساعات

عمرش عبادت را ترک نگفت و علی (علیه السلام) در محراب عبادت کشته شد، و همچنین سایر امامان. [۹]

بندگان حقیقی خدا

«وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِي» [۱۰]

«کسانی که از عبادت طاغوت اجتناب کردند و به سوی خداوند بازگشتند بشارت از آن آنها است، بنابراین بندگان مرا بشارت ده.» در این آیات قرآن سخن از بندگان خاص و حقیقت جوی پروردگار به میان آورده، می گوید: «بشارت باد بر کسانی که از عبادت (طاغوت) اجتناب کردند و به سوی خدا بازگشتند.» (وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى). با توجه به اینکه «بشری» در اینجا مطلق است همه گونه بشارت بر نعمت‌های الهی اعم از مادی و معنوی را شامل می‌شود، اما این بشارت وسیع و گسترده مخصوص کسانی است که از پرستش طاغوت اجتناب ورزند، و به سوی خدا باز آیند که مجموع ایمان و اعمال صالح در همین جمله جمع است. زیرا «طاغوت» در اصل از ماده‌ی «طغیان» به معنی تعدی و تجاوز از حد و مرز است، و لذا این کلمه بر هر متجاوز، و هر معبودی جز خدا، مانند شیطان و حکام جبار اطلاق می‌شود (این کلمه در واحد و در جمع هر دو به کار می‌رود). بنابراین «اجتناب از طاغوت» با این معنی وسیع و گسترده، دوری از هر گونه شرک و بت‌پرستی و هواپرستی و شیطان‌پرستی و تسلیم در برابر حاکمان جبار و سلطه‌گران ستمکار را فرا می‌گیرد، «انابه الی الله» جامع روح تقوی و

پرهیزگاری و ایمان است، و البته چنین کسانی در خورِ بشارتند. این نکته نیز قابل توجه است که عبادت طاغوت تنها به معنی رکوع و سجود نیست، بلکه هر گونه اطاعت را نیز شامل می‌شود، چنان که در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: «من اطاع جبّاراً فقد عبده». «کسی که اطاعت زمامدار ستمگری کند او را پرستش کرده است.» سپس برای معرفی این بندگان ویژه می‌گوید: «بندگان خاصّ مرا بشارت ده» (فَبَشِّرْ عِبَادَ) [۱۱]-[۱۲]

عبادت مخصوص اوست

«فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ» [۱۳] «او (خدا) را پرستش کن و بر او توکل نما. در آیه‌ی فوق دلیل لطیفی بر اختصاص پرستش به خدا بیان شده است، و آن اینکه اگر پرستش به خاطر عظمت و صفات جمال و جلال باشد، این صفات بیش از همه در خدا است، و دیگران در برابر او ناچیزند، بزرگترین نشانه‌ی عظمت. علم نامحدود و قدرت بی‌پایان است که آیه‌ی فوق می‌گوید هر دو مخصوص او است. و اگر پرستش به خاطر پناه بردن در حل مشکلات به معبود باشد، چنین کاری در مورد کسی شایسته است که از همه‌ی نیازها و احتیاج‌های بندگان و از اسرار غیب و نهان آنها با خبر است و توانائی بر اجابت دعوت و انجام خواسته‌ها دارد، و به همین دلیل توحید صفات. سبب توحید عبادت می‌گردد (دقت کنید). بعضی از مفسران گفته‌اند که تمام سیر انسان در طریق عبودیت پروردگار در دو جمله در آیه‌ی فوق خلاصه شده: «فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ» چرا که عبادت خواه - عبادت جسمانی باشد مانند

عبادات معمولی و یا عبادت روحانی باشد مانند تفکر در عالم آفرینش و نظام اسرار هستی - آغاز این سیر است. و توکل یعنی واگذاری مطلق به خدا و سپردن همه چیز به دست او که یک نوع «فناء فی الله» محسوب می‌شود، آخرین نقطه‌ی این سیر می‌باشد. در تمام این مسیر از آغاز تا انتها توجه به حقیقت توحید صفات، رهروان این راه را یاری می‌دهد، و به تلاش و تکاپوی آمیخته با عشق وا می‌دارد. [۱۴] هر امتی عبادتی دارد «لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ» [۱۵] «برای هر امتی عبادتی قرار دادیم تا آن عبادت را (در پیشگاه خدا) انجام دهند». در این آیه‌ی مورد بحث می‌فرماید برای هر امتی عبادتی قرار دادیم تا خدا را با آن پرستش کنند.

مناسک: چنانکه قبلاً هم گفته‌ایم جمع «منسک» به معنی مطلق عبادت است. و در اینجا ممکن است تمام برنامه‌های دینی و الهی را شامل شود، بنابراین آیه گویای این حقیقت است که امت‌های پیشین هر کدام برنامه‌ای مخصوص به خود داشتند که در آن شرایط خاص از نظر زمان و مکان و جهات دیگر کامل‌ترین برنامه بوده است، ولی مسلماً با دگرگون شدن آن شرایط، لازم بود احکام تازه‌تری جانشین آنها شود. [۱۶] همه بر او سجده کنیم «فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا» [۱۷] «برای خدا سجده کنید و او را پرستش نمائید.» اگر می‌خواهید در صراط مستقیم حق گام بردارید تنها برای او که تمام خطوط عالم هستی به ذات پاکش منتهی می‌گردد سجده کنید، و اگر می‌خواهید به سرنوشت دردناک اقوام پیشین که بر اثر شرک و کفر و ظلم و

ستم در چنگال عذاب الهی گرفتار شدند گرفتار نشوید تنها او را عبادت کنید.

جالب توجه اینکه در روایات زیادی نقل شده است که وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به هنگام تلاوت این سوره به این آیه رسید همه‌ی مؤمنان و کافرانی که آن را شنیدند به سجده افتادند، طبق روایتی تنها کسی که سجده نکرد «ولید بن مغیره» بود که (شاید نمی‌توانست برای سجده کردن خم شود) کفی از خاک برداشت و پیشانی را بر آن گذاشت و اینگونه سجده کرد! این تعجب ندارد که حتی بت پرستان به سجده افتاده باشند چرا که لحن گیرای این سوره از یک سو، محتوای هیجان‌انگیز آن از سوی دیگر، و تهدیدهای وحشتناک نسبت به مشرکان از سوی سوم، و خارج شدن این آیات مبارک از دهان پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در نخستین مرحله‌ی نزول وحی از سوی چهارم، آن چنان گیرا و مؤثر و پرنفوذ بود که هر دلی را بی‌اختیار تحت تأثیر خود قرار داد، و حجاب‌های عناد و لجاج و تعصب و خودخواهی را هر چند موقت کنار زد، و نور توحید را در قلوب، پرتو افکن کرد. اگر خود ما نیز این سوره را با دقت و تأمل، و با حضور قلب و توجه تلاوت کنیم، و خود را در برابر پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و در جو نزول آیات بنگاریم، می‌بینیم قطع نظر از عقائد خاص اسلامی چاره‌ای جز این نداریم که وقتی به آخرین آیه برسیم به سجده بیفتیم و در پیشگاه حق سر تعظیم فرود آوریم.

سجده‌های واجب

آیهی فوق از آیاتی است که به هنگام تلاوت آن سجده بر همه واجب است. لحن آیه که از صیغه امر در آن استفاده شد و امر دلیل بر وجوب است، نیز گواه این معنی است و به این ترتیب بعد از سوره «الم سجده» و «حم سجده» این سومین سوره‌ای است که مشتمل بر سجده واجب است، هر چند طبق بعضی از روایات از نظر تاریخ نزول اولین سوره‌ای که آیه سجده واجب در آن نازل شده همین سوره بوده است. [۱۸]

نفی تکبر در عبادت

«وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ» [۱۹] «و برای اوست آنچه در آسمان‌ها و زمین است، و آنها که نزد او هستند هیچ گاه از عبادتش استکبار نمی‌کنند و هرگز خسته نمی‌شوند. - شب و روز تسبیح می‌گویند و ضعف و سستی به خود راه نمی‌دهند.» و از آنجا که ممکن است این توهم به وجود آید که خدا چه نیازی به ایمان و عبادت ما دارد؟ آیات مورد بحث نخست به پاسخ این می‌پردازد و می‌گوید: «تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از آن اویند» (وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) «و فرشتگانی که در محضر قرب پروردگار هستند هیچگاه از پرستش او تکبر ندارند و هرگز خسته نمی‌شوند.» «وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ» [۲۰] «دائماً شب و روز تسبیح می‌گویند و کمترین ضعف و سستی به خود راه نمی‌دهند.» (يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ). با این حال او چه نیازی به

طاعت و عبادت شما دارد، این همه فرشتگان بزرگ، شب و روز مشغول تسبیحند، او حتی نیاز به عبادت آنها هم ندارد، پس اگر دستور ایمان و عمل صالح و بندگی و عبودیت به شما داده، سود و فایده‌اش متوجه خود شما است. این نکته نیز جالب توجه است که در نظام بندگان و موالی ظاهری هر قدر بنده‌ای به مولا نزدیک‌تر باشد، خضوعش در برابر او کمتر است، چرا که خصوصیت بیشتری دارد و مولا نسبت به او نیاز فزون‌تر! اما در نظام عبودیت «خلق» و «خالق» قضیه بر عکس است، هر قدر فرشتگان و اولیای خدا به او نزدیک‌تر می‌شوند، مقام عبودیت‌شان بیشتر می‌گردد. غیر خدا را عبادت نکنید «قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ» [۲۱] «آیا به من دستور می‌دهید که غیر خدا را عبادت کنم ای جاهلان.» توحید در عبادت یک حقیقت غیر قابل انکار است تا آنجا که هیچ انسان فهمیده و عاقلی نباید به خود اجازه دهد که در برابر بتها سجده کند. لذا به دنبال آن با لحنی قاطع و تشدیدآمیز می‌گوید: «بگو: آیا به من دستور می‌دهید که غیر خدا را عبادت کنم ای جاهلان.» [۲۲] «وَأَعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ» [۲۳] «او را پرستش کنید و شکر او را به جای آورید.» یکی از انگیزه‌های عبادت، حس شکر‌گذاری است در مقابل منعم حقیقی، شما می‌دانید منعم حقیقی خدا است پس شکر و عبادت نیز مخصوص ذات پاک خدا است. [۲۴]

پی نوشت ها

[۱] ذاریات/۵۶.

[۲] حج/۷۷.

[۳] نمونه، ج ۱۴، ص ۱۸۰.

[۴] اعراف/۲۰۶.

[۵] نمونه، ج ۷، ص ۷۳.

[۶] بینہ/۴.

[۷] نمونه، ج ۲۷، ص ۲۰۳ تا ۲۰۵.

[۸] حجر/۹۹.

[۹] نمونه، ج ۱۱، ص ۱۳۸.

[۱۰] زمر/۱۷.

[۱۱] «عباد» در اصل «عبادی» بوده، «یاء» حذف شده و کسره به جای آن است.

[۱۲] نمونه، ج ۱۹، ص ۴۱۱.

[۱۳] هود/۱۲۳.

[۱۴] نمونه، ج ۹، ص ۲۸۸ و ۲۸۹.

[۱۵] حج/۶۷.

[۱۶] تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۶۴.

[۱۷] نجم/۶۲.

[۱۸] نمونه، ج ۲۲، ص ۵۷۶.

[۱۹] انبیاء/۲۰-۱۹.

[۲۰] «یستحسرون» از ماده‌ی «حسر» در اصل به معنی باز گشودن چیز پوشیده و کنار زدن پرده است، سپس به معنی خستگی و ضعف به کار رفته گویی نیروهای انسان در چنین حالتی همگی آشکار و مصرف می‌گردد و چیزی از آنها در بدن او مکتوم نمی‌ماند.

[۲۱] زمر/۶۴.

[۲۲] نمونه، ج ۱۹، ص ۵۲۴.

[۲۳] عنکبوت/۱۷.

[۲۴] نمونه، ج ۱۶، ص ۲۳۳.